

Khuzestan and Threats to the Construction of Different Ethnic and Religious Identities

*Ibrahim Barzegar**

E-mail: barzegar@tau.ac.ir


*Gholamreza Mohnizade Falahieh*** *E-mail: alirezama1380@gmail.com*

Received : 2022/07/19

Revised: 2022/12/25

Accepted: 2022/12/26

Doi: 10.22034/RJNSQ.2022.352444.1427

 20.1001.1.1735059.1401.23.92.4.9

Abstract:

The need to discover the relationship between Wahhabism and separatism among some Arab people of Khuzestan after the imposed war, considering the importance of the issue and the different ethnic and religious conditions governing Khuzestan, gave enough motivation to the researchers to use Weber's understanding analysis method to empathetically understand the developments of the phenomenon and The described conditions with an interpretive approach and qualitative strategy and the use of contextual theory based on the Strauss-Corbin paradigm model including causal conditions, contextual conditions, intervening conditions, strategies and consequences, fill the existing theoretical gap by purposefully collecting data through in-depth interviews with 34 people from People who have changed their religion and become Wahhabis and have Tablighi and Salafist thoughts and 6 knowledgeable and opinionated experts.

The different state of changing the ethnic and religious identity of the Khuzestan Arab people indicated that the change of religion of some Khuzestan Arabs is in the "Wahhabi-Shia" dual and not "Sunni-Shia" and is completely different from the common patterns of takfiri among the Sunnis, which is in four layer and takes place in a period of 6 months to 3 years, which the researchers interpreted as "self-representing multilayered identity" by drawing a pyramid on four levels. The identity built in these layers becomes more complicated and deeper by moving from the base to the top of the pyramid and includes four stages: "Hesitant towards Shi'ism", "Wahhabi", "Tablighi-Takfiri" and "Salafi-Jihadist".

Keywords: Ethnic Identity, Religious Identity, Khuzestan, Wahhabism, Self-Representing Multi-Layered Identity.

* Professor of Political Science, Allameh Tabataba'i University.

** Ph.D. Student of Political Science, Allameh Tabataba'i University (Corresponding Author).

خوزستان و تهدیدات بر ساخت هویت قومی و مذهبی متغایر

نوع مقاله: پژوهشی

ابراهیم برزگر*

E-mail: barzegar@tau.ac.ir

غلامرضا مهنی زاده فلاحیه**

E-mail: alirezama1380@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۵

چکیده

ضرورت کشف رابطه بین وهابیت با تجزیه‌طلبی در میان برخی از مردم عرب خوزستان پس از جنگ تحمیلی با توجه به اهمیت موضوع و متفاوت بودن شرایط قومی و مذهبی حاکم بر خوزستان به محققان انگیزه کافی داد تا با روش تحلیل تفهیمی و بر برای فهم همدلانه تحولات پدیده و شرایط موصوف با رهیافت تفسیری و استراتژی کیفی و استفاده از نظریه زمینه‌ای براساس مدل پارادایمی اشتراوس-کوربین شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها، خلأ نظری موجود را با گردآوری هدفمند داده‌ها از طریق انجام مصاحبه عمیق با ۳۴ نفر از افراد تغییر مذهب یافته و وهابی شده و دارای تفکرات تبلیغی و سلفی و ۶ نفر از خبرگان مطلع و صاحب‌نظر برطرف سازد. وضعیت متفاوت تغییر هویت قومی و مذهبی مردم عرب خوزستان مشخص نمود که تغییر مذهب برخی از افراد عرب خوزستان در دوگانه «وهابی-شیعه» و نه «سنی-شیعه» و کاملاً متفاوت با الگوهای رایج در تکفیری شدن اهل سنت مطرح است که در چهار لایه و در یک بازه زمانی ۶ ماهه تا ۳ ساله صورت می‌گیرد که محققان با ترسیم یک هرم در چهار سطح از آن به «هویت چندلایه‌ای خودنمایانگر» تعبیر نموده است. هویت برساخت شده در این لایه‌ها با حرکت از قاعده به سمت رأس هرم پیچیده‌تر و عمیق‌تر شده و شامل چهار مرحله «مردد نسبت به تشیع»، «وهابی شده»، «تبلیغی-تکفیری» و «سلفی-جهادی» است.

کلیدواژه‌ها: هویت قومی، هویت مذهبی، خوزستان، وهابیت، هویت چندلایه‌ای خودنمایانگر.

* استاد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

مقدمه و طرح مسئله

اهمیت موضوع کشف روابط بین وهابیت با زمینه‌های نامساعد اقتصادی و اجتماعی در مناطق عرب‌نشین خوزستان پس از جنگ تحمیلی و رقابت ایدئولوژیک وهابیت با تشیع در منطقه و متفاوت بودن شرایط قومی و مذهبی حاکم بر خوزستان به محققان انگیزه کافی داد تا با روش تحلیل تفهیمی و بر برای فهم همدلانه تحولات پدیده و شرایط موصوف با رهیافت تفسیری و استراتژی کیفی و استفاده از نظریه زمینه‌ای و مفهوم‌سازی بر مبنای آن بر اساس مدل پارادایمی اشتراوس-کوربین خلأ نظری موجود را برطرف سازد که این امر با انجام مصاحبه عمیق با ۳۴ نفر از افراد تغییر مذهب یافته و ۶ نفر از خبرگان مطلع و صاحب‌نظر در فرایند وهابی شدن مردم عرب خوزستان صورت پذیرفت و مشخص گردید وضعیت متفاوت تغییر هویت قومی و مذهبی مردم عرب خوزستان در دوگانه «وهابی - شیعه» و نه «سنی - شیعه» و کاملاً متفاوت با الگوهای رایج در تکفیری شدن اهل سنت مطرح است و فرایند تغییر مذهب متأثر از نابسامانی‌ها و نابهنجاری‌های وضعیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مناطق عرب‌نشین و احساس طردشدگی و نادیده گرفته شدن به دلیل داشتن هویت متفاوت قومی (عرب بودن) در مقابل هویت ملی شروع شده است. آن‌ها با تردید نسبت به ارزش‌های شیعی، از طریق دوستان و بستگان تغییر مذهب یافته و شبکه‌های ماهواره‌ای پاسخی برای شبهات خود می‌یابند؛ در نتیجه با تخطئه و دست کشیدن از انجام اعمال عبادی به سبک شیعه با گرایش به وهابیت به درک متفاوتی از تحولات پیرامونی دست می‌یابند و نسبت به هویت مذهبی جدید مکتسبه تعصب ورزیده و با تمایزگذاری بین خود و دیگران چنین استنباط می‌نمایند که باید مابقی مردم به‌ویژه عرب‌های استان را دعوت و هدایت نمایند. این افراد در مرحله آخر فرایند تغییر هویت قومی و مذهبی، با تأثیرپذیری از تفکرات تکفیری همچون داعش، رویکرد جهادی را برگزیده و معتقدند در صورت فراهم نبودن امکان جهاد در داخل می‌بایست از بلاد کفر (جمهوری اسلامی ایران) هجرت نمایند برخی نیز قائل به تبلیغ تفکرات تکفیری و زمینه‌سازی برای استقرار دولت اسلامی و استقلال خوزستان و تأسیس به‌اصطلاح کشور عربی و وهابی الاحواز هستند. در این تحقیق ضمن بیان مراحل پنج‌گانه نظریه داده بنیاد فرایند وهابی شدن برخی از مردم عرب خوزستان آورده شده است.

رویدادها و کنش‌های چهار دهه اخیر در مناطق عرب‌نشین خوزستان نشان می‌دهد که علاوه بر نقش کشورهای بیگانه و عوامل تجزیه‌طلب و افراد و گروه‌های وهابی‌شده،

محرومیت‌ها، غفلت‌ها و ناکارآمدی‌های مدیریتی بستر لازم را برای این‌گونه اقدامات فراهم نموده و تداوم و استمرار آن را در پی داشته است. شرایط دشوار عرب‌ها در این مناطق با وجود ظرفیت‌های موجود در بخش‌های نفتی، تجاری، مرزی، دریایی، کشاورزی و... رضایت‌بخش و امیدوارکننده نبوده و پایداری شرایط نارضایتی و پیامدهای ناشی از فشارهای روانی و اقتصادی در فضای سیاسی و اجتماعی در مناطق جنگ‌زده موج انفکاک برخی از عرب‌های استان از هویت مذهبی خود را تسهیل نموده است. از همین رو، به دلیل تداوم بسترهای نامساعد و نابسامانی‌های موجود از جمله فقر و بیکاری، درآمد پایین، افزایش فاصله طبقاتی، محرومیت، حاشیه‌نشینی، احساس محرومیت و احساس تبعیض در نقاط هدف با تبلیغ وهابیت، افراطی‌تر شدن روند گرایش نیز سرعت یافته و در نتیجه، افراد وهابی‌شده طرفداران هویت ملی و مخالفان تجزیه خوزستان را تکفیر کرده و با هر شیوه و ابزار ممکن (تبلیغی، تکفیری و سلفی جهادی) به مبارزه با آنان خواهند پرداخت و با تشدید اقدامات واگرایانه عناصر و جریان‌ات تجزیه‌طلب عربی، گسترش دامنه نفوذ وهابیت، افزایش پیروان و تعداد سلفی‌های جهادی در خوزستان، به تبع باید نظاره‌گر تشدید تقابل افراد با هویت قومی مذهبی جدید به‌عنوان «عرب وهابی الاحوازی» با افراد «عرب شیعه ایرانی» از یک‌سو و افزایش اقدامات تروریستی در تقابل با هویت ایرانی و اسلامی از سوی دیگر بود و تحولات هویتی این حوزه با خشونت‌گرایی بیشتر استمرار خواهد یافت؛ بنابراین، پیشگیری از تغییر هویت مردم عرب استان از تشیع به وهابیت با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور ضروری به نظر می‌رسد که باید با اتخاذ خط‌مشی صحیح و عاری از بیان داده‌ها و تحلیل غیرواقعی با ارتباط مستمر با بدنه اجتماعی مردم از به مخاطره افتادن امنیت ملی و وحدت ایرانیان جلوگیری نماید. بی‌توجهی و سهل‌انگاری نسبت به مسائل متعدد و هم‌پوشان هویت قومی و مذهبی مردم عرب خوزستان و عدم درک حساسیت‌های فرهنگی و اجتماعی آن‌ها تأثیرات مخربی بر امنیت ملی بر جای گذاشته و منجر به تضعیف همبستگی ملی خواهد شد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق براساس راهبرد پژوهشی نظریه‌پردازی داده بنیاد، به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. نظریه‌پردازی داده بنیاد نوعی روش تحقیق کیفی است که به دنبال ایجاد یک نظریه، مدل و الگو است که پژوهشگر را قادر می‌سازد درباره پدیده مکنون



درون داده‌های متعدد نظریه‌پردازی کند (فرتوک زاده و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۷) و هدف آن پررنگ کردن رویکرد استقرایی از طریق جمع‌آوری داده‌ها و نه از طریق بررسی ادبیات تحقیق و آزمون تئوری است؛ لذا تابع تأمل و بازاندیشی تئوریک بوده و براساس معیارهای ارزیابی خود باید به کفایت مورد قضاوت رسیده باشد (دانایی‌فرد، ۱۳۸۶: ۶۷) که مراحل اجرای آن نیز به شرح ذیل است:

۱- گردآوری داده‌ها

فرایند جمع‌آوری داده‌ها با توصیف موقعیت ناشی از انبوه مشاهده‌های تأملی آغاز می‌گردد و می‌بایست در معرفی مکان‌ها، موقعیت‌ها، آدم‌ها و کنش‌ها و واکنش‌های آن‌ها به صورت حداکثری به دو شرط صورت پذیرد: اول اینکه فارغ از قالب، نوعی خاص از الگو دنبال شود و دوم اینکه درباره آن‌ها نیز قضاوت خاصی انجام نگردد. توصیف‌های صورت گرفته به عنوان بستر اولیه داده‌ها باید با انبوهی از مشاهده‌ها، مصاحبه‌ها، اسناد، فیلم‌ها، عکس‌ها، یادداشت‌ها و تأملات محقق و گفت‌وگوهای مرتبط پربار گردد (کرسول، ۲۰۰۵: ۴۰۲) که با سؤالات ساده‌ای نظیر چه، چگونه، چقدر، تجزیه و تفکیک و سپس مقایسه شده و رویدادهای مشابه به یکدیگر گروه‌بندی و عنوانی مشابه می‌گیرند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۷) تا محقق بتواند به کمک تئوری طراحی شده‌ی خود فرضیه‌هایی را تدوین کند که تحقیقات بعدی آن‌ها را به آزمون بگذارند (کرسول، ۲۰۰۵: ۴۰۵). کرسول به عنوان یک معیار تقریباً کلی حدود ۲۰-۳۰ مصاحبه را جهت اشیاع مقوله‌ها و جزئیات نظریه زمینه‌ای کافی می‌داند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

۲- کدگذاری داده‌ها در سه مرحله (باز، محوری و انتخابی)

مفهوم‌پردازی از داده‌ها اولین گام در تجزیه و تحلیل است. در تحلیل داده‌ها از سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده می‌گردد. در کدگذاری باز، پس از هر مصاحبه و نگارش متن مصاحبه، داده‌ها باید دو یا سه مرتبه مرور شده و برای اطمینان از محک کامل داده‌ها با استفاده از روش حداکثری کدگذاری متن هر مصاحبه خط به خط مورد بررسی قرار گرفته، به هر کدام از رویدادها و حوادث، ایده‌ها و اندیشه‌ها، موقعیت‌ها و وضعیت‌ها، نامی که نشانه آن پدیده و جایگزینی برای آن باشد به آن داده شود و با ادغام کدهای مشابه تعداد آن‌ها کاهش یابد (لی، ۲۰۰۱: ۱۲۷). کد باید گویای محتوای داده باشد؛ به طوری که بتوان با مشاهده این عنوان تا حدود زیادی به مفهوم جملات پی برد (میلز، ۲۰۰۲: ۵۱). در مرحله بعد با گروه‌بندی و ادغام مفاهیم که هم‌گرایی معنایی دارند، تعدادی مقوله محوری استخراج می‌گردد و در کدگذاری

انتخابی مقوله‌های شناسایی شده، زیرمجموعه تعدادی محدود از مقوله اصلی قرار می‌گیرند (کوربین و همکاران، ۲۰۰۸: ۶۲).

۳- نگارش یادداشت‌های تحلیلی و تفسیر داده‌ها

برخلاف روش‌های کمی، تجزیه و تحلیل هم‌زمان با مرحله گردآوری داده و به‌طور توأمان انجام می‌شود (غفوریان، ۱۳۸۱: ۳۱۹) و تا زمانی ادامه می‌یابد که محقق اطمینان یابد ادامه گردآوری به دامنه دانسته‌هایش نخواهد افزود؛ لذا ناگزیر جمع‌آوری داده را تا رسیدن به نقطه اشباع ادامه می‌دهد. روبه‌رو شدن با داده‌های تکراری یکی از نشانه‌های رسیدن به نقطه اشباع است (گلاسر و همکاران، ۱۹۶۷: ۶۱). محقق می‌تواند از طریق استدلال قیاسی و استقرایی، تمثیل و تشبیه، نشانه‌یابی، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه و... داده‌های گردآوری شده را ارزیابی و تجزیه و تحلیل و با ذهن مکاشفه‌ای خود نتیجه‌گیری نماید (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۵۴).

۴- تدوین نظریه

مرحله آخر در تحلیل داده‌ها، نگارش و تدوین نهایی تئوری به‌دست آمده است. تصویر تحقیق در این مرحله روشن‌تر بوده و آخرین وظیفه پژوهشگر این است که آنچه از این تصویر می‌بیند، برای مخاطب تفسیر نماید. محقق ممکن است چندین نوبت تصویر حاصل را از نو بازخوانی و بازنویسی نماید تا بتواند افکار خود را به‌طور دقیق تشریح کند و توضیح دهد (کوربین و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۴۸).

نظریه داده بنیاد نشانگر آن است که هر نظریه و گزاره‌ای که براساس این روش تدوین می‌شود بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی بنیان نهاده شده و برای کسب شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه یا موضوعاتی به کار می‌رود که قبلاً درمورد آن‌ها پژوهش جامع و عمده‌ای نشده و دانش موجود در آن زمینه محدود است (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۳) و در آن محقق مقوله اصلی را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن است قرار داده و سایر مقوله‌ها از جمله شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و پیامدها را به آن ربط می‌دهد. در این الگو، شش مقوله از اطلاعات وجود دارد: **هسته مرکزی (عامل محوری)**: حادثه یا اتفاق اصلی است که سایر مفاهیم حول آن مفصل‌بندی شده‌اند و یک سلسله کنش‌ها برای کنترل یا اداره کردن آن وجود دارد و به آن مربوط می‌شود (کوربین و همکاران، ۲۰۰۸: ۶۸).

شرایط زمینه‌ای: مجموعه رویدادها و حوادثی که موقعیت‌ها، مسائل و امور مربوط به یک پدیده را خلق می‌کنند و تا حد معینی، چگونگی و چرایی پاسخ افراد و گروه‌ها را نسبت به آن شرایط توضیح می‌دهند (کوربین و همکاران، ۲۰۰۸: ۷۱).



شرایط علی (سبب‌ساز): عبارت است از شرایطی که عامل اصلی به وجود آورنده پدیده مورد مطالعه باشد (کوربین و همکاران، ۲۰۰۸: ۶۸).

استراتژی (راهبرد): بیانگر آن دسته از تعامل‌ها و کنش‌هایی است که کنشگران در قبال آن شرایط (پدیده مرکزی) از خود بروز داده‌اند (کوربین و همکاران، ۲۰۰۸: ۷۰).
پیامدها: خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها بوده و بیانگر نتایج این تعامل‌ها و تحت تأثیر شرایط مربوط به آن‌هاست و در واقع، پیامدهای پدیده مذکور را نشان می‌دهند (کوربین و همکاران، ۲۰۰۸: ۷۴).

شرایط مداخله‌گر: شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. به همین جهت توصیه می‌شود پژوهشگر تا حد امکان ایده‌ها و افکار خود را کنار بگذارد (کرسول، ۲۰۰۵: ۹۲).

روش‌شناسی تفهیمی وبر

مکتب تفهیمی در برابر مکاتبی چون اثبات‌گرایی که اعتقاد به مشابهت‌های ظاهری بین علوم طبیعی و علوم انسانی و عدم تفاوت روش تحقیق در آن است ظهور یافت. پیروان آن معتقد به درک معنای ذهنی کنش اجتماعی و غور در باطن امور بودند و ریشه در اندیشه‌های ویلهلم دیلتای و هانریش ریکرت دارد؛ ماکس وبر از مروجین این مکتب است. این دو تأثیر پذیرفته است. در واقع تفهیم عبارت است از فهم معنای یک کردار یا یک رابطه اجتماعی و یا روشی که با آن پیچیدگی‌های درونی پدیده‌های اجتماعی، درک و فهم شوند (شرفی، ۱۳۹۰: ۸۳). از نظر وبر، تفهیم عبارت از این است که «باید خویشتن را به جای عامل یا عاملان در تاریخ یا جامعه گذاشت و به این وسیله، عمل تاریخی یا اجتماعی را از درون احساس کرد» (هیوز، ۱۳۹۷: ۲۷۶). وبر معتقد بود که برخلاف علوم طبیعی که در آن شیء طبیعی در فرایند دانش علمی ساخته می‌شود، در روش تفهیمی «شیء در چشم‌انداز ما ظاهر می‌شود» (کاپلستون، ۱۹۷۸: ۱۴۵) و کنش به‌عنوان بخشی از یک وضعیت قابل فهم تلقی می‌شود. تبیین مستلزم درک بافت معنایی است که در چارچوب آن کنش حادث می‌شود. بر این اساس، معنای ذهنی که در بافت معنایی مربوط به آن وجود دارد به‌عنوان معنای مقصود کنش شناخته می‌شود (وبر، ۱۳۶۸: ۴۵).
 فروند معتقد است که وقتی وبر عنوان جامعه‌شناسی تفهیمی را به کار می‌برد، به هیچ وجه قصد وی این نیست که برای تفهیم، نسبت به تبیین، ارزش بیشتری قائل باشد، بلکه می‌خواهد منحصرأ ناکافی بودن آن را، که گاهی تعمدی است، نشان دهد و

تنگناهای برخی از دیدگاه‌ها را آشکار سازد (فروند، ۱۳۶۸: ۲۱۴). به‌طور خلاصه، دیدگاه وبر را می‌توان چنین بیان کرد: اندیشه‌ها و انگیزه‌ها به اراده و کنش منجر می‌شوند و کنش‌ها علت ایجاد آثار ذهنی و عینی، فردی و جمعی مانند ساخت اجتماعی و فرهنگ‌اند؛ اما ساختار و شرایط مؤثر در عمل‌ها علت اعدادی یا علت معدد هستند؛ یعنی همان عامل تسهیل‌کننده‌ای که وبر بر آن تأکید دارد (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۳). روند کار به این صورت است که پژوهشگر سعی می‌کند خود را با کنشگر و انگیزه‌های او یکی کند و سیر رفتار را از دید کنشگر نظاره کند، نه از دید خویش (آرون، ۱۳۷۷: ۵۷۰).

چارچوب مفهومی

استان حساس و استراتژیک خوزستان با جمعیتی معادل ۴,۷۱۰,۵۰۶ نفر به‌عنوان پنجمین استان پرجمعیت کشور محسوب می‌شود (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۶: ۳۴) مردم عرب خوزستان پیرو دین اسلام و شیعه اثناعشری هستند (سیادت، ۱۳۷۴: ۲۶۲). مذهب تشیع همواره عامل اساسی همبستگی و همگرایی آنان با ایران طی قرون متمادی بوده و تأثیر ارزش‌ها و آداب و سنن مذهبی بر زندگی آنان مشهود است و شعائر اسلامی مانند عزاداری ماه‌های محرم و صفر جایگاه ویژه‌ای نزد آن‌ها دارد (اکوانی، ۱۳۸۷: ۱۱۰). به‌این‌ترتیب، دین و مذهب کارکردهای اجتماعی مختلفی همچون اجتماعی کردن اعضای جامعه، کاهش کشمکش، تحکیم ارزش‌های مشترک، یکپارچه‌سازی جامعه و حفظ ثبات اجتماعی، تنظیم منابع و تقویت نظارت اجتماعی را برعهده داشته‌اند (اشرفی، ۱۳۷۷: ۹). مذهب اساساً منابع شناختی، ایدئولوژیکی، جامعه‌شناختی و معنوی را برای هویت خلق می‌نماید (فورو، ۲۰۰۴: ۸۴). هویت مذهبی هویتی جمعی است که شامل عضویت در گروه‌های مذهبی، پذیرش نظام‌های اعتقادی آن، تأیید اهمیت ارزش‌های مذهبی، تعهد به گروه‌های مذهبی و کردارهای مرتبط با مذهب است (سنول، ۲۰۱۰: ۱۱۹).

تجربه قرن بیستم نشان می‌دهد که هویت‌های خُرد، به‌ویژه هویت قومی، محو نخواهند شد و دو منبع قدرتمند امر اجتماعی و امر قومی همواره سرچشمه‌ی بسیاری از امور زندگی انسان‌ها به‌حساب می‌آیند (برتون، ۱۳۸۰: ۲۵).

در تعریف هویت قومی اتفاق‌نظری وجود ندارد و هر اندیشمند و متفکری با برجسته کردن یکی از ویژگی‌های هویتی، آن را تعریف کرده است. گل‌محمدی معتقد است آنچه از بررسی این تفاوت‌ها به‌دست‌آمده است، این است که مسئله محوری در



این تعاریف مؤلفه‌ها و عناصر هویت قومی هستند؛ بنابراین، هویت قومی بر بستر شناسه‌های فرهنگی همچون زبان، مذهب، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی تعریف می‌شود که با آن افراد با تمام یا برخی از جنبه‌های هویتی یک گروه پیوند می‌یابند. البته خود این مؤلفه‌ها و عناصر نیز یکسان نبوده و در هویت‌دهی به اقوام نقشی متفاوت دارند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۵۹).

مهم‌ترین لازمه‌ی هویت در فرایند تولید معنا، نوعی تاریخ (واقعی یا اسطوره‌ای) است که بیش از همه خاطره‌ی جمعی اعضای آن قوم را شکل داده و امری محدود به گذشته نیست، بلکه بیانگر بخشی از تجارب دوران حیات اجتماعی یک گروه بوده که تا امروز تداوم داشته و از عناصر اصلی تاریخ معاصر آن است؛ به عبارت دیگر، خاطره جمعی و آگاهی تاریخی یک قوم و یک نظام هویتی بیانگر بازنمایی نمادین سرگذشت دیروز و امروز و بعضاً سرنوشت آینده آن قوم است (گودرزی، ۱۳۸۵: ۳۲). هویت قومی، سنت فرهنگی مشترک و احساس هویتی است که قوم را به‌عنوان یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگ‌تر مشخص می‌کند و اعضای هر گروه قومی را از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی از سایر اعضای جامعه خود متمایز می‌داند (داوری، ۱۳۷۶: ۴۴).

در بررسی فرایند تغییر مذهب شیعیان عرب خوزستان به وهابیت یک فرایند چهار مرحله‌ای توسط محقق شناسایی شده که در آن افراد ابتدا دچار تردید در اعتقادات شیعی می‌شوند؛ در مرحله دوم با کنار زدن تشیع، به‌عنوان مذهب برتر، به وهابیت گرایش پیدا نموده و در مرحله سوم، به‌عنوان وهابی تکفیری به تبلیغ پرداخته و در مرحله آخر با اعتقاد به رویکرد سلفی جهادی و روی آوردن به فواز مبارزه مسلحانه و اقدامات تروریستی، به دنبال تجزیه خوزستان و به اصطلاح، استقلال الاحواز برآمده و از طریق غیرسازی هویت قومی و مذهبی خود به‌عنوان «وهابی الاحوازی» در مقابل عرب «شیعه ایرانی» از تشیع دست کشیده و در تقابل با هویت ایرانی اسلامی خود را بازسازی و معرفی می‌نماید. در این پروسه مرز و زمان مشخصی برای هر مرحله از فرایند تغییر مذهب وجود ندارد و به دلیل سرعت بالای انتشار وهابیت و سیال بودن موضوع و پیوند آن با قوم‌گرایی تجزیه‌طلبانه در میان برخی از افراد عرب خوزستان تبیین وضعیت این افراد با الگوهای رایج در تکفیری شدن اهل سنت، کاملاً متفاوت بوده و به‌عنوان دوگانه «وهابی - شیعه» (یک وهابی شده که قبلاً شیعه بوده است) و نه «سنی - شیعه» (یک فرد سنی شده که قبلاً شیعه بوده است) مطرح و در نوع خود منحصر به فرد است که بیانگر هویتی متمایز به‌عنوان «هویت چندلایه‌ای خود نمایانگر»

است؛ یعنی یک فرد قوم‌گرا که با وهابی شدن و تغییر مذهب خود طی چند مرحله لایه‌های مختلف هویتی به خود می‌گیرد.

یافته‌های توصیفی

به‌طور کلی، آمار دقیق و مستندی از تعداد و درصد جمعیت عرب‌های ایرانی و جمعیت گرایش‌یافتگان به وهابیت وجود ندارد. با وجود این، در پژوهش حاضر تعداد ۳۴ نفر از افراد تغییر مذهب یافته طی دو سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ در یک‌صد و ده جلسه سه‌ساعته بحث و گفتگو مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند^۱. افراد انتخاب‌شده از برخی مناطق حاشیه‌نشین در مرکز استان و شهرستان‌های عمدتاً عرب‌نشین از جمله باوی، کوت عبدالله، حمیدیه، شادگان، ماهشهر، خرمشهر، شادگان و سوسنگرد بوده‌اند. با شش نفر از خبرگان محلی نیز در این خصوص مصاحبه شده است. یافته‌های ذیل در تحلیل صورت گرفته به‌دست آمده است:

- میزان گرایش به وهابیت در بین جوانان زیر ۳۰ سال ۵۲ درصد، در دامنه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال حدوداً ۴۰ درصد و افراد بالای ۴۰ سال ۸ درصد بوده است.
- سطح تحصیلات ۵۰ درصد آنان زیر دیپلم بوده و ۳۸ درصد نیز دیپلم داشته‌اند. کمتر از ۱۰ درصد آنان دارای مدرک تحصیلی لیسانس و تنها ۱ نفر مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس داشته است.
- در این بین، ۵۳ درصد آنان بیکار، ۲۶ درصد کارگر، ۱۵ درصد دست‌فروش و ۶ درصد نیز کارمند بوده‌اند.

یافته‌های تحقیق

۱- فرایند تغییر مذهب از تشیع به وهابیت در مناطق جنگ‌زده و عرب‌نشین خوزستان

پیش از آغاز جنگ تحمیلی، روستاهای مناطق عرب‌نشین خوزستان، به‌ویژه روستاهای حاشیه مرز، تقریباً سیستمی خودکفا و متکی بر اقتصاد معیشتی داشتند. ساکنان روستاهای حاشیه مرز از هور (تالاب) به‌مثابه منبع عظیم اقتصادی استفاده می‌کردند و روستاییانی نیز که با مرز فاصله داشتند اغلب به کشت جو و گندم و باغداری و دامپروری مشغول بودند. با شروع جنگ تحمیلی، روستاهای حاشیه مرز و مناطق هم‌جوار، همگی در منطقه جنگی قرار گرفته و روستاییان به‌ناچار آن مناطق را ترک

۱. نام‌های به‌کار گرفته‌شده غیرواقعی و به انتخاب خود مصاحبه‌شوندگان بوده است.



گفته و در روستاها و شهرهای دیگر استان یا استان‌ها پراکنده شدند که اغلب این روستاییان بعد از سال‌های اول جنگ در روستاهای اطراف و نیز حاشیه شهر اهواز ساکن شدند؛ لذا با مهاجرت روستاییان و ترک زیست‌بوم، نظام خودکفای اقتصادی و معیشتی آنان از هم پاشید و با استقرار در حاشیه شهرها، خسارت‌های فراوانی به مناطق یادشده وارد آمد. فقدان آمادگی پذیرش نقش‌های محیط جدید موجب شد تا برخی از آنان به مشاغل کاذب و حتی غیرقانونی روی آورده و برخی دیگر در نوعی آشفتگی و عدم انسجام اجتماعی گرفتار شوند؛ به گونه‌ای که ضمن حفظ برخی ویژگی‌های فرهنگی خود، مجبور به پذیرش ارزش‌ها و سنت‌های محیط جدید شدند و در نتیجه، با تجربه‌ی نوعی فرهنگ‌پذیری مجدد، بخشی از هویت قبلی خود را از دست دادند. در هویت اجتماعی جدید فرهنگ دوگانه با هنجارهای متفاوت و بعضاً متضاد و متعارض بروز کرده بود؛ بنابراین، هویت این افراد در شرایط محیط جدید گرفتار تغییرات متعدد فرهنگی و اجتماعی گردید.

تحمیل جنگ هشت‌ساله رژیم بعث عراق و ناکامی آن از تجزیه خوزستان، علاوه بر خسارت‌های مادی و خرابی‌های مناطق یادشده، تحولات عظیمی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این مناطق به وجود آورد. شرایط پس از جنگ در خوزستان از جمله «تورم بالا»، «اقتصادی نبودن فعالیت‌های تولیدی»، «تصدی‌گری بیش از حد دولت»، «جابه‌جایی جمعیت از روستا به شهر»، «رشد حاشیه‌نشینی»، «افزایش واسطه‌گری و فعالیت‌های غیر مولد» و «نبود فرصت‌های شغلی به حد نیاز» باعث بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و ایجاد زمینه فعالیت گروهک‌ها و باندهای قاچاق مواد مخدر و سرقت و شرارت و اراذل و اووباش شهری و باندهای منکرانی در مناطق جنگ‌زده گردید که با خاتمه جنگ تحمیلی و بازگشت جنگ‌زدگان به خانه و کاشانه خود، مشکلات و نابسامانی‌های دوران سازندگی بر دوش مردم عرب استان فشار مضاعفی وارد نمود و با تغییر ایدئولوژی مبارزاتی برخی نخبگان قوم‌گرای عرب خوزستان تحت حمایت کشورهای سلفی به رهبری عربستان سعودی (که تا قبل از این حاضر به حمایت از عرب‌های قوم‌گرای شیعه‌مذهب خوزستان نبود) و پیوند گرایش‌های قوم‌گرایی و تجزیه‌طلبی با وهابی‌گری و سلفیت تکفیری منجر به شکل‌گیری فرایند تغییر مذهب افراد قوم‌گرا و تجزیه‌طلب عرب خوزستان از تشیع به وهابیت گردید (هاشمی نژاد، ۱۳۹۱: ۲۲).

اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ فردی به نام سید عبد نزاری اولین گروه تکفیری در خوزستان را در مناطق روستایی اهواز تشکیل داد و متأثر از آن، هسته‌های فکری و فرهنگی متعددی در روستاهای مناطق عرب‌نشین به وجود آمد و جریان جدیدی به نام «حرکه السنی» شکل گرفت (هاشمی نژاد، ۱۳۹۱: ۲۴). مطالعه در حوزه‌های تجزیه‌طلبی و سلفی‌گری نشان داد تغییر مذهب در هسته‌ی اولیه سبب شده تعداد قابل‌توجهی از عناصر قوم‌گرا و تجزیه‌طلب عرب خوزستان، اعتقادات شیعی خود را کنار گذاشته و با گرایش به وهابیت، بدون اینکه خود را وهابی معرفی کنند از واژه «مسلمان»، «اهل سنت»، «موحد» و «غیرمقلد» استفاده نمایند. به این معنی که آنان پیش از این، نه یک مسلمان شیعه بلکه یک مشرک بوده‌اند. آن‌ها با ایجاد برخی شباهت‌د مورد مراسم شیعی، تأکید بر اختلافات مذهبی و قومی و صرف بودجه‌های کلان و در مواردی، پرداخت وجوه مالی به صورت نقدی در روستاها و مناطقی که مردم آن از نظر اقتصادی، فرهنگی و مذهبی در سطح پایینی قرار دارند فعالیت‌های تبلیغی خود را به شکل مخفی و محفلی گسترش داده‌اند (مصاحبه با محرابی، ۱۴۰۰).

نگرانی از طرد شدن از سوی جامعه و تحمیل هزینه‌های معنوی از جمله قطع پیوندهای اجتماعی و یا برخورد امنیتی با گرایش‌یافتگان و خانواده‌های آنان در میان نسل اول وهابی‌شدگان، سبب عدم ارائه تحلیل دقیق از وضعیت موجود وهابیت و سلفیت تکفیری در خوزستان شده است و آمار دقیق و رسمی از میزان گرایش به وهابیت و تعداد افرادی که تغییر مذهب داده‌اند وجود ندارد؛ اما پس از اغتشاشات و ناآرامی‌های فروردین ۱۳۸۴، به بهانه انتشار نامه منتسب به ابطحی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور وقت، در خصوص تغییر بافت جمعیتی مناطق یادشده - در آستانه هشتمین سالگرد دستگیری شیخ خزعل توسط رضاشاه که جریان تجزیه‌طلب از آن به انتفاضه میسان یاد می‌کند - پدیده موصوف در جامعه رخ نمایان می‌سازد و روند افزایشی رخدادهای تروریستی و جهش تصاعدی شکل‌گیری این پدیده از ابتدا تاکنون را نشان می‌دهد که افراد تغییر مذهب یافته تحت‌تأثیر تبلیغات تفکرات وهابی دست به اقدامات تروریستی و خرابکارانه متعددی در خوزستان زده و نظام سیاسی کشور را با پدیده‌ای متقاطع، چندوجهی و پیچیده روبه‌رو نموده‌اند.

نمود عینی و آشکار این فرایند، دشمنی عملی فرد با تفکرات گذشته خود و معتقدین به آن است که به‌زعم خود با ترک اعتقادات شرک‌آلود، موحد شده و سپس به‌عنوان جنود الله متعال، توفیق کشتن شیعیان و مبارزه با حکومت طاغوت، یعنی



جمهوری اسلامی ایران را پیدا کرده‌اند؛ یعنی آنان پیش‌ازین نه یک مسلمان شیعه، بلکه یک مشرک بوده‌اند. تا قبل از سال ۱۳۸۴ از تعداد عناصر شیعه تغییر مذهب داده نمود عینی و آشکاری ثبت نشده است، تبلیغ وهابیت چندان آشکار نبوده و موضوع گرایش به وهابیت در جامعه علنی نشده و روند تغییر مذهب به شکل فردی و از میان عناصر قومی و بیشتر در روستاها و مناطق کم‌برخوردار از نظر اقتصادی، فرهنگی و مذهبی در حال شکل‌گیری بود.

«تبلیغ چهره به چهره» و «حمایت رسانه‌ای شبکه‌های ماهواره‌ای جریان سلفیت وابسته به عربستان سعودی» گرایش به وهابیت را در این مقطع وارد مرحله جدیدی نمود. وهابیون با ایجاد برخی شبهات درمورد مراسم شیعی به تبلیغ اندیشه‌های خود می‌پرداختند و به‌ویژه بر اختلافات مذهبی و قومی تأکید بسیاری داشتند. مبلغان وهابی برای رسیدن به اهداف خود بودجه‌های کلانی را صرف کرده و در مواردی، به‌صورت نقدی بین مردم خوزستان پول توزیع می‌کردند که این امر بر ایجاد افتراق مذهبی میان عرب‌های شیعه خوزستان با نظام شیعی جمهوری اسلامی مبتنی بود. افراد شاخص جریان تجزیه‌طلب پس از تغییر مذهب بر تقویت انگاره‌های غیریت‌ساز هویتی و تعمیق شکاف با حاکمیت ذیل پمپاژ اخبار منفی در قالب کلیدواژه‌های تبعیض سازمان‌یافته، عدم آزادی مذهبی، محرومیت عمدی مناطق غرب‌نشین، محدودسازی عرب‌ها و تضییع حقوق آنان در ایران تمرکز نموده بودند.

علل، زمینه‌ها و پیش‌ان‌های تغییر مذهب در خوزستان

۱- علل (شرایط علی و سبب‌ساز)

نارضایتی‌های اجتماعی انباشت‌شده، مطالبات سیاسی و اقتصادی تأمین‌نشده و اجرای ناموفق طرح توسعه خوزستان و به‌کارگیری برخی مدیران ناموفق در مناطق غرب‌نشین استان از یک‌سو و در دسترس بودن الگوی تکفیری به‌عنوان یک ایده برای ابراز مخالفت و نارضایتی علیه جمهوری اسلامی و تمایل عناصر تجزیه‌طلب برای پیدا کردن الگوهای هویت‌بخش افراط‌گرایانه مورد تأیید کشورهای سنی منطقه به رهبری عربستان سعودی از سوی دیگر، از علل اصلی و اساسی تغییر مذهب در خوزستان است که به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

- محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی: به دلیل وجود امکان مقایسه میزان برخورداری مردم کشورهای حوزه خلیج فارس، محرومیت نسبی و احساس محرومیت از قابلیت

بیشتری برای گرایش به تجزیه‌طلبی و تفکرات ناهمساز و بیگانه در میان قوم عرب برخوردار است (مصاحبه با شفیعی، ۱۳۹۹).

- احساس تبعیض: از مصادیق تبعیض قومیتی، عدم امکان تصدی مسئولیت‌های رده‌بالای استان توسط عرب‌ها است که در عین شایستگی، صرفاً به دلیل قومیتشان و براساس رویه‌های نانوخته و خودساخته برخی افراد، از اعطای مسئولیت به آنها خودداری شده است (مصاحبه با مجدمی، ۱۴۰۰).

- رقابت ایدئولوژیک: با بهره‌گیری از برخی مؤلفه‌های هویتی مشترک همانند قرابت زبانی و برخی اشتراکات فرهنگی و تعصبات قومی و برخی محرومیت‌ها و نابسامانی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجود در مناطق عرب‌نشین کشور از جمله فقر، بیکاری، خرابی‌های پس از جنگ، وهابی‌شدگان به دنبال ایفای نقش در تحولات هویت قومی و مذهبی مردم شیعه عرب استان برآمده و با هدف تجزیه خوزستان و تأسیس به اصطلاح کشور عربی الاحواز به برساخت هویت متعارض و متمایز با هویت ملی اسلامی ایرانی در حال تلاش می‌باشند. در قبال حمایت‌های سیاسی، مالی و رسانه‌ای سعودی‌ها، جریان تجزیه‌طلب عرب خوزستان نیز متعهد به تشدید هویت قومی و تغییر هویت مذهبی هم‌وطنان عرب خوزستان شده و با انجام اقدامات تروریستی همچون حمله به مراسم رژه در ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ در اهواز به دنبال تحقق اهداف مدنظر می‌باشند.^(۱)

- داشتن تعلقات قومی.^(۲)

۲- زمینه‌ها (شرایط بسترساز)

علاوه بر علل یادشده، محیط نامساعد خانواده، تأثیرپذیری از دوستان گرایش‌یافته به مسائل قومی، تأثیرپذیری از شبکه‌های ماهواره‌ای و گروه‌های فعال در فضای مجازی، احساس طردشدگی و عدم پذیرش و استفاده ابزاری از قومیت عرب و حاشیه‌نشینی از بسترهای سب‌ساز نفوذ، رشد و گسترش وهابیت در مناطق مذکور بوده است (مصاحبه با شفیعی، ۱۳۹۹).

۳- پیشران‌ها (شرایط مداخله‌گر)

دسترسی آسان به سلاح جنگی (مصاحبه با محرابی، ۱۴۰۰)، سهولت خروج غیرقانونی از مرز^(۳) (مصاحبه با حزباوی، ۱۴۰۰)، خلأ حقوقی و عدم بازدارندگی قوانین علی‌رغم برخوردهای قهری چندین سال گذشته با عناصر محوری و اصلی مبلغ وهابیت، تحقیر و تنفر قومی^(۴)، گرایش به روش‌های غیرقانونی اعتراضی، ضعف آشنایی و تسلط به زبان



فارسی^(۵)، اهتمام عربستان در حوزه قومیت عرب با تأکید و نارسایی‌های موجود^(۶) (مصاحبه با شفیعی، ۱۳۹۹)، حمایت خارجی و تسهیل شرایط پناهندگی^(۷) و ناکارآمدی و ناتوانی مراجع تأثیرگذار سنتی (از جمله روحانیون که با هجمه تبلیغاتی وهابیون در این مناطق نامتناسب بوده است)^(۸) به عنوان پیشران‌های تغییر مذهب در خوزستان با مداخله در این فرایند، اجرای راهبردها را تسهیل و تسریع نموده است.

استراتژی‌ها (راهبردها)ی تغییر مذهب در خوزستان

افراد وهابی با استراتژی‌های ذیل به دنبال برجسته‌سازی تمایزات قومی برآمده تا انسجام اجتماعی و هویت ملی را تضعیف نمایند.

۱- دعوت و تبلیغ: همه مصاحبه‌شدگان بر ضرورت دعوت و تبلیغ و اینکه «باید همه را به دین درست هدایت کرد» تأکید داشته‌اند. آموزش شیوه‌های جذب در اجتماعات خانوادگی، طایفه‌ای و دوستانه با بهره‌گیری از شرایط و نارضایتی‌های موجود اقتصادی تا هسته‌سازی ویژه رده‌های سنی کودک و نوجوان و دختران، با برگزاری کلاس‌های آموزشی روخوانی، قرائت و حفظ قرآن و عربی فصیح در حال انجام بوده و افراد وهابی شده در زندان را نیز شامل می‌شود (مصاحبه با باقر، ۱۴۰۰). این اقدام با اولویت جذب از میان نخبگان بومی و محلی در دستور کار قرار دارد^(۹).

۲- ناامن‌سازی و ایجاد بی‌ثباتی، آشوب و درگیری مسلحانه: به نظر می‌رسد کاربست عامل خشونت برای تحریک احساسات قوم‌گرایان با توجه به روحیه جنگاوری و ستیزه‌جویی در بین عشایر و مرزداران عرب استان از راهبردهای وهابی شدگان در استان باشد.^(۱۰)

۳- شبکه‌سازی و گسترش ارتباطات فردی و گروهی با کانون‌های وهابی‌گری برای جلب حمایت.^(۱۱)

۴- استفاده از نمادها و ابزارهای فرهنگی: انکار لزوم وجود یک زبان مشترک و مطالبه آموزش به زبان مادری از دیگر فعالیت‌های افراد وهابی شده با هدف سوءاستفاده از احساسات شهروندان و القای واگرایی هویتی است و علاوه بر ترویج زبان و ادب قومی اغلب از زبان شعر، که گفتمان رایج فعالیت‌های ادبی مردم عرب خوزستان است، برای بیان خواسته‌های خود بهره می‌برند (مصاحبه با دبیری، ۱۴۰۰). برخی شعرای قوم‌گرا که سابقه شعرسرایی برای خاندان آل سعود را نیز دارند، با حضور در فاتحه‌خوانی‌ها و سرودن اشعاری با استفاده از واژه‌هایی چون «غاصب»، «دشمن»، «حق من» و...، با زبان شعر احساسات قومی

مخاطبان خود را تحریک می‌کنند (مصاحبه با نادر، ۱۳۹۹). پوشیدن چفیه قرمز که نماد وهابی‌های سعودی در منطقه است نیز مورد تأکید این افراد در مناطق عرب‌نشین خوزستان است^(۱۲). درج پرچم جعلی الاحواز نیز به‌عنوان یک نماد هویت‌بخش و اعتراضی همواره مورد تأکید است و بخشی از سیاست ضدملی این جریان است.

۵- تحریف تاریخ برای هویت‌سازی.

پیروان وهابیت در خوزستان در قالب فعالیت‌های فرهنگی به دنبال پررنگ کردن تمایزات قومی و زبانی بوده و تلاش می‌کنند به نام تاریخ‌نگاری، فضا را برای فعالیت‌های ضدملی فراهم نمایند. این تلاش‌ها بیشتر متمرکز بر تحریف هویت ایرانی خوزستان و خلق هویت عربی برای آن است تا نشان داده شود خوزستان سرزمینی عربی است. آنان هویت عربی خود را ذیل هویت بزرگ‌تری که شامل هویت عرب‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس است تعریف کرده و چنین القا می‌کنند که با هویت ایرانی بیگانه‌اند و همین امر تجزیه‌طلبی و استقلال‌خواهی آنان را به دنبال دارد. مجله *الوطن الاحوازیه* ضمن تأکید بر عربی و مستقل بودن الاحواز با بیان برخی مشکلات اجتماعی به کسانی که به اصطلاح جان خود را به خاطر مردم اهواز و در مقابل دشمن ایرانی فارس از دست داده‌اند اهدا شده است (*الوطن الاحوازیه*، ۲۰۱۹: ۱۴).

پیامدهای گرایش به وهابیت در خوزستان

به‌مرور زمان، موضوع گسترش وهابیت در میان برخی از مردم عرب استان خوزستان، ابعاد و پیامدهای متعددی یافته و تحلیل موضوع را پیچیده‌تر نموده است. مهم‌ترین پیامدهای گرایش به وهابیت در مناطق عرب‌نشین خوزستان را می‌توان این‌چنین بیان نمود:

۱- تشدید شکاف قومی

«تلاش برای ایجاد ترس در خانواده‌های عرب و ممانعت از فعالیت دخترانشان در بسیج و حوزه‌های علمیه» و «تأکید بر عدم اعتماد خانواده‌های بسیجی، حوزوی و همراه با نظام و بر حذر داشتن خانواده‌های عرب از وصلت با آنها» دو رویکرد افراد وهابی شده برای تشدید شکاف قومی در استان خوزستان است. «با گروهی ترسیم پرچم بر روی دیوار منازل و مدارس، شعارنویسی، تهدید و حمله به پایگاه بسیج و کاروان‌های راهیان نور را در دستور کار داشتیم» (مصاحبه با ناجی، ۱۳۹۹).

۲- «غیرسازی» هویت مذهبی

تشکیل جلسات و کلاس‌های آموزشی با پوشش آموزش قرآن، جذب خانواده‌های خود به تفکر تکفیری، سرمایه‌گذاری بر جوانان عرب تحصیل‌کرده، تهیه و توزیع محصولات



فرهنگی وهابیت، برگزاری نمازهای جماعت، جمعه، عید قربان، عید فطر و تراویح به سبک وهابی‌ها، فعالیت تبلیغی گسترده در فضای مجازی علیه مذهب تشیع، ارتباط‌گیری با عناصر و علمای اهل سنت رسمی کشور و عناصر وهابی در شهرهای مختلف استان، ارتباط‌گیری غیرحضوری با علمای وهابی سعودی در فضای مجازی و... منجر به تمایل آنان به وهابیت شده و فعالیت‌های این جریان با هیچ‌کدام از مذاهب اهل سنت مرتبط نبوده و وهابی‌شدگان در خوزستان تقریباً هیچ شناختی از مذاهب اربعه ندارند.^(۱۳) همچنین، آنان با تشکیل گروه‌های چندنفره با سایر گروه‌ها در مناطق دیگر ارتباط برقرار می‌کنند و در برنامه‌های یکدیگر مشارکت می‌نمایند.^(۱۴)

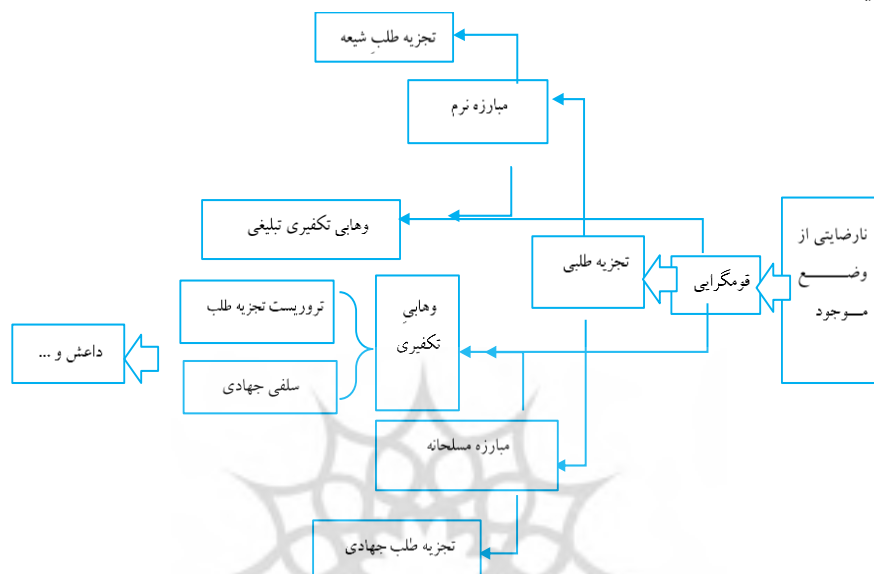
۳- افزایش عناصر سلفی - جهادی و گسترش اقدامات تروریستی

افزایش تمایل وهابی‌شدگان به مهاجرت و خروج از کشور و کسب پناهندگی سیاسی از کشورهای عربی برای شکل‌گیری یک زندگی دینی به دنبال افزایش دسترسی‌ها، آموزش‌ها و مهارت‌های افراد و مجموعه‌های تکفیری برای مبارزه، افزایش تعداد عناصر تکفیری آماده اجرای اقدامات تروریستی به تقلید از داعش همچون حمله مسلحانه ۳۱ شهریور ۹۷ و به شهادت رساندن ۲۶ نفر از شهروندان خوزستانی منجر به افزایش اقدامات تروریستی خواهد شد. در اقدامی سلفی‌گونه علیه کفار (مردم شیعه ایران) اعلام جهاد و در بیانیه‌های جهادی خود، شیعیان را تکفیر نموده و اهل سنت را به نبرد با ایشان فراخوانده و وعده جنگ و خونریزی فی سبیل الله خواهند داد که این امر تبعات جبران‌ناپذیری از جمله افزایش عناصر سلفی - جهادی و اقدامات تروریستی در پی خواهد داشت.^(۱۵)

۴- تجزیه خوزستان و استقلال به اصطلاح کشور الاحواز

در تحلیل الگوی فرایند گرایش به وهابیت در خوزستان مشخص می‌شود که افراد قوم‌گرا نارضایتی از وضع موجود را در میان مردم عرب استان به عنوان بستر اولیه ترویج تجزیه‌طلبی در دو حوزه مبارزه نرم و سخت مورد استفاده قرار داده تا با برساخت هویت قومی و مذهبی جدید در نهایت تجزیه‌طلبی را هموار نمایند. به گونه‌ای که در فاز نرم عده قلیلی از افراد بدون تغییر هویت مذهبی خویش به دنبال تحقق هویت قومی و در نهایت، تجزیه‌طلبی برآمده و برخی نیز با فراهم شدن بستر حمایت‌های مادی و غیرمادی جریان وهابیت تحت تأثیر القائنات تجزیه‌طلبانه قرار گرفته و با تغییر هویت مذهبی خویش از تشیع به وهابیت در این مسیر گام بردارند. در فاز مبارزه مسلحانه نیز تغییر مذهب برای تسریع در فرایند تجزیه خوزستان و به اصطلاح کسب استقلال الاحواز صورت پذیرفته و با اعتقاد به مبارزه مسلحانه و انجام اقدامات

تروریستی به سبک داعش، تجزیه‌طلبی دنبال می‌گردد که در نمودار ذیل به تصویر کشیده شده است.



تصویر شماره ۱: فرایند گرایش به وهابیت در خوزستان

با اقدامات رسانه‌ای، دیپلماتیک، اقدامات سیاسی و فرهنگی و اقدامات نظامی به هر شیوه و وسیله ممکن، تغییر مذهب و گرایش به وهابیت با هدف تجزیه خوزستان و به اصطلاح کسب استقلال کشور الاحواز دنبال می‌شود تا با برساخت هویت قومی و مذهبی متفاوت و متمایز قوم عرب خوزستان به عنوان عرب وهابی اهوازی در مقابل هویت ایرانی اسلامی به عنوان هویت «دگر» و «غیرسازی» این امر تسهیل و هموار گردد. حرکت در این فرایند در چهار لایه و به ترتیب ذیل شکل می‌گیرد:

لایه اول: قوم‌گرایان ناراضی از وضع نامساعد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود در مناطق حاشیه‌نشین عرب استان، متأثر از اطرافیان خود و شبکه‌های ماهواره‌ای وابسته به جریان وهابیت «دچار شبهه شده» و نسبت به حقانیت و برتری تشیع در مقابل اهل سنت تردید یافته و در یک بازه زمانی شش ماه تا سه سال ممکن است افراد را درگیر نمایند.

لایه دوم: «تغییر مذهب داده»ها، انفرادی فعالیت نموده و صرفاً تجاهر می‌نمایند که گاهی این مرحله از سه ماه تا یک سال ممکن است به طول بینجامد و افراد در سطح دوم هرم هویتی چندلایه خودنمایانگر به رویگردانی از هویت ایرانی اسلامی بپردازند.



لایه سوم: «تکفیری - تبلیغی»ها بیشترین تعداد در بدنه اصلی جریان وهابیت در استان به حساب می‌آیند و با رویکرد تبلیغی به دنبال جذب و دعوت دیگران به مذهب جدید برآمده‌اند. افراد در این سطح معمولاً از شش ماه تا دو سال به تثبیت هویت جدید قومی و مذهبی خود می‌پردازند.

لایه چهارم: «تکفیری جهادی»ها دارای افکار تکفیری با رویکرد سلفیت جهادی بوده و با «اعتقاد به جهاد» و «اعتقاد به هجرت» با داعش بیعت نموده و به‌عنوان مفتی (شرعی)، پشتیبان مالی و تسلیحاتی از گروه‌های وهابی و رابط اعزام افراد تکفیری به خارج از کشور عمل می‌نمایند. توقف در این سطح به‌عنوان آخرین مرحله از هویت چندلایه‌ای خودنمایانگر، از دو تا چهار سال ممکن است طول بکشد.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که آمار دقیقی از ترکیب جمعیتی استان و درصد مردم عرب ایران ارائه نشده و موجود نیست، برآورد دقیقی از آمار شیعیان وهابی شده در استان خوزستان نیز وجود ندارد. اگرچه با توجه به تنوع جامعه آماری (از کارگران ساده تا معلمان آموزش و پرورش، از افراد بی‌سواد و کم‌سواد تا تحصیل‌کردگان، از فعالان حوزه فرهنگی و اجتماعی تا بازاریان، از دختران تا پدران و مادران و نیز عشایر عرب خوزستان)، آنچه مسلم است تلفیق هویت مذهبی (گرایش به وهابیت) و هویت قومی (گرایش به تجزیه‌طلبی) منجر به رشد تعداد گرایش‌یافتگان به وهابیت و نگرش تکفیری در مناطق عرب‌نشین استان شده است.

ضرورت برساخت مفاهیم جدید و کشف روابط بین قوم‌گرایی و تجزیه‌طلبی با وهابی‌گری در میان برخی از مردم عرب استان با توجه به خاص بودن استان خوزستان و متفاوت بودن شرایط قومی و مذهبی حاکم بر آن احساس می‌شود؛ اما به دلیل نبود آمار دقیق و رسمی از میزان گرایش به وهابیت و تعداد شیعیان عرب وهابی شده در خوزستان و مهم‌تر از آن پنهان‌کاری برخی از گرایش‌یافتگان به دلیل سرزنش بستگان، دوستان و یا برخورد نظام جمهوری اسلامی با آنان و یا با خانواده‌هایشان و لزوم رعایت و به‌کارگیری برخی ملاحظات سیاسی و امنیتی به محققان انگیزه کافی داد تا با مصاحبه عمیق با ۳۴ نفر از افراد تغییر مذهب یافته و وهابی‌شده و دارای تفکرات تبلیغی و سلفی و ۶ نفر از خبرگان مطلع و صاحب‌نظر خلأ نظری موجود را برطرف سازد و فرایند وهابی شدن برخی از مردم عرب استان تبیین نماید که مشخص گردید

پیوند قوم‌گرایی و وهابیت پس از جنگ تحمیلی در چهار سطح این افراد را درگیر نموده است.

در سطح اول، قوم‌گرایان ناراضی از وضع نامساعد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که متأثر از اطرافیان و شبکه‌های ماهواره‌ای وابسته به جریان وهابیت «دچار شبهه شده» و نسبت به حقانیت و برتری تشیع در مقابل اهل سنت تردید یافته بودند و در سطح دوم، پس از مدتی فعالیت انفرادی «تغییر مذهب یافته» و با تجاهر و انجام اعمال عبادی به سبک وهابی‌ها به رویگردانی از هویت ایرانی-اسلامی پرداخته و با رویکرد تبلیغی به دنبال جذب و دعوت دیگران به مذهب جدید برمی‌آیند. در سطح سوم، وارد فاز «تکفیری-تبلیغی» شده که بیشترین تعداد در بدنه اصلی جریان وهابیت در استان در این سطح می‌باشند و در این مرحله آنان به تثبیت هویت جدید قومی و مذهبی خود می‌پردازند. برخی از آنان با «اعتقاد به جهاد» و «اعتقاد به هجرت» به عنوان «تکفیری جهادی» دارای افکار تکفیری با رویکرد سلفیت جهادی بوده و با داعش بیعت نموده و در سطح چهارم قرار می‌گیرند. مفهوم «هویت چندلایه‌ای خودنمایانگر» خلأ نظری موجود را برطرف ساخته و درک فرایند هویت‌سازی مغایر با هویت ایرانی-اسلامی را در میان جامعه هدف آسان نموده است؛ چراکه به روشنی سطوح مختلف هویتی در میان گرایش‌یافتگان به وهابیت را مشخص ساخته و نشان می‌دهد که چگونه یک عنصر قوم‌گرای ناراضی از وضع موجود به یک سلفی جهادی تبدیل می‌گردد؛ بنابراین، می‌توان مدعی شد که این مفهوم توانایی تبیین تجزیه خوزستان و کسب به اصطلاح استقلال اهواز توسط عناصر قومی وهابی شده در بستر نامساعد داخلی و حمایت آل سعود برای برساخت این هویت را دارد.

پیشنهاد‌های اجرایی

با توجه به اینکه هدف غایی قوم‌گرایان وهابی، تجزیه خوزستان و زیر سؤال بردن تمامیت ارضی کشور با استفاده از ابزارهای گوناگون از جمله اقدامات دیپلماتیک در سطح بین‌الملل، اقدامات رسانه‌ای، اقدامات فرهنگی و اجتماعی و اقدامات نظامی است؛ بنابراین، برای عبور از این وضعیت پیش از هر چیز توسعه و توزیع متوازن فرصت‌ها و امکانات و ثروت ملی بین مناطق هدف باید به‌طور هم‌زمان، بدون فوت وقت و با ادای دین به مناطق جنگ‌زده و توسعه‌نیافته خوزستان دنبال شود. لذا ضمن پرهیز از رویکرد امنیتی به مناطق عرب‌نشین استان و انتساب مطالبات شهروندی به مطالبات قومی، رفع



هم‌زمان «محرومیت» و «تبعیض» که منجر به رفع «احساس محرومیت» و «احساس تبعیض» خواهد شد، شرط موفقیت سیاست‌های اجرایی دولت خواهد بود که در این صورت جذب نیرو برای جریان تجزیه طلب و وهابیت سلفی جهادی مقدور و میسر نخواهد شد.

یادداشت‌ها

۱- عثمان اظهار داشته است: «آن‌ها از نحوه دفاع کردن من از اعتقادات اهل سنت و تخریب تشیع خوششان آمده بود و از من خواستند تا در امارات با آن‌ها ملاقات کنم تا برای استفاده بیشتر و بهتر از من در برنامه‌ها صحبت کنند» (مصاحبه با عثمان، ۱۳۹۹).

۲- ابوسام با اشاره به گرایش قومی خود قبل از گرایش به وهابیت در تشریح علل وهابی شدن خود اظهار داشته است: «با تأثیرپذیری از دوستانم در لجنه الوفاق] گروه قومی عربی فعال در دهه هشتاد در مناطق عرب‌نشین خوزستان] به دنبال برخی از حقوق مردم عرب از حکومت بودیم» (مصاحبه با ابوسام، ۱۳۹۹). ابوجویدر هم اضافه می‌کند: «سابقاً دارای تفکرات قومی و عربی بوده لکن با تغییر در مواضع اعتقادی‌ام نسبت به نظام بدبین شده و این را آشکار تبلیغ می‌کنم» (مصاحبه با ابوجویدر، ۱۴۰۰). عاشور نیز افزوده است: «تجزیه خوزستان باید به صورت جدی پیگیری شود. در سالگرد انتفاضه میسان (ناآرامی فروردین ۸۴) قصد داشتیم با درگیری مسلحانه پاسگاه را تصرف کنیم که دستگیر شدیم» (مصاحبه با عاشور، ۱۴۰۰).

۳- بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به راحتی از خروج از کشور و اقامت در کشورهای عربی یا برخی از کشورهای اروپایی سخن می‌گفتند که حزب‌بوی با اشاره به این موضوع اظهار داشته است: «برای خروج از کشور و اخذ پناهندگی در سوریه اقدام کردم و از یکی از افراد فعال الاحوازی نیز درخواست کردم زمینه اقامتم در امارات را فراهم کند تا بتوانم از آنجا به دانمارک سفر نمایم».

۴- برخوردهای نامناسب و سوءاستفاده از امکانات دولتی و استخدام‌های بی‌ضابطه در حمایت از مقاصد طایفه‌ای و گروهی برخی از اقوام در خوزستان از جمله دزفولی‌ها و بعضاً بختیاری‌ها و نگاه همراه با تحقیر به عرب‌های استان منجر به تشدید احساس تبعیض شده و به منشأ فعالیت‌های واگرایانه در بدنه اجتماعی این قوم به‌عنوان یک واکنش جبری تبدیل گردیده است؛ از سوی دیگر، اظهارنظرهای قوم‌مدارانه بخشی از نخبگان و چهره‌های شاخص سیاسی، مذهبی و... در دامن زدن به چالش‌های موجود نیز مؤثر است.

۵- به دلیل عدم تسلط و تمایل به تکلم به زبان فارسی، به‌عنوان تقابل با هویت ملی و زبان رسمی کشور، در حال بازتولید غیرسازی هویت قومی بوده و هیچ‌کدام از مصاحبه‌شوندگان

حاضر به مصاحبه به زبان فارسی نبوده و تمامی مصاحبه‌ها برای درک همدلانه و تفهم بهتر به زبان عربی صورت پذیرفته است.

۶- در بیانات اکثر مصاحبه‌شدگان اشاراتی به «سرمایه‌گذاری جهت ایجاد آشوب‌های قومی در استان خوزستان به‌ویژه در حوزه اقتصادی و نارضایتی‌ها» و «تلاش برای جذب شیوخ، متنفذین و بزرگان قوم عرب برای گسترده‌تر نمودن بستر مخالفت با جمهوری اسلامی» توسط عربستان وجود داشته است.

۷- ابومسلم از مصاحبه‌شدگان در این خصوص می‌گوید: «برادرم در هلند توانسته با بچه‌های المقاومة الشعبیه مطالبات بچه‌های الاحواز را پیگیری کند. در سال ۸۴ خواهرم و شوهرش هم به سوئد هجرت کردند. برادر دیگرم اخبار را برای آن‌ها می‌فرستاد و او هم به هلند رفت و به بچه‌ها ملحق شد» (مصاحبه با ابومسلم، ۱۳۹۹).

۸- مقماس از افرادی که نسبت به اعتقادات شیعی دچار تردید شده اظهار می‌دارد: «من پیش از این خادم اهل‌بیت (ع) بودم و تقریباً تمام نمازهای خود را در مسجد و به جماعت اقامه می‌نمودم؛ لکن در حال حاضر از مراجعه به مسجد پرهیز می‌کنم چون نمی‌توانند به شبهات مطرح‌شده بر ضد مذهب شیعه پاسخ بدهند» (مصاحبه با مقماس، ۱۳۹۹).

۹- ابونبیل اظهار داشته است: «استفاده از ظرفیت اصناف، معلمان و سندیکاها برای ایجاد تجمعات اعتراضی را به ما گفته بودند» (مصاحبه با ابونبیل، ۱۳۹۹).

۱۰- ابوزید اظهار می‌دارد: «چندین نوبت برق شهر را قطع کردیم، یک ماشین نظامی که در خیابان پارک کرده بود را تخریب کردیم به سمت کلانتری سنگ پرتاب کردیم؛ بعد هم از بانک‌ها سرقت کردیم. خواستیم بریم به سمت سپاه که با تیراندازی سپاه یکی از دوستان کشته و چند نفر هم زخمی شدند» (مصاحبه با ابوزید، ۱۴۰۰). ابوعثمان نیز می‌افزاید: «به همراه دوستان اقدام به تهیه تعدادی بمب‌های صوتی با هدف تهدید شهروندان حزب‌اللهی کردیم» (مصاحبه با ابوعثمان، ۱۳۹۹). ابونبیل مرتبط با گروه‌های تجزیه‌طلب خارج از کشور نیز در این خصوص گفته است: «برای اعزام نیرو به عربستان برای آموزش نظامی و تشکیل ارتش عرب‌های اهواز برنامه‌ریزی داشتیم... معتقدم که باید دشمن [جمهوری اسلامی ایران] را محاصره کرد تا مجبورش کنیم به برگشت و شعارمان به هر شهر و روستایی رسانده شود» (مصاحبه با ابونبیل، ۱۳۹۹). جاسم از دیگر وهابی‌شدگان می‌افزاید: «اگر اغتشاشی توسط عرب‌ها انجام گیرد، در حمایت از آن‌ها با تریلی وارد ساختمان فرمانداری می‌شوم. به نظر من شدت درگیری‌ها بر سر مشکلات و احتمالاً هجوم ما زیاد می‌شود و باید ضربه بزنیم و سر عجم‌ها را لگدمال کنیم و این آرزوی همه ماست. در نابودی کامل و قطع دست دولت دیگر توقف نخواهیم کرد. ما امروز جنگ آشکار علیه دشمن فارسی را شروع کردیم و تصمیم به پیروزی و شهادت داریم و از این راه بر نمی‌گردیم و تسلیم نمی‌شویم. خداوند به برادرانمان در شهرهای اهواز مرگ را



برای وطن وحی کرده است تا فرزندانمان عهد ببندند که اهواز را دولت خواهند کرد. باید عزم خود را جزم کنیم و با لهیب و غضب و ایمان، دولت بت‌های فارس مجوس را خراب و وطنمان را از دست آنان آزاد کنیم» (مصاحبه با جاسم، ۱۳۹۹).

۱۱- ابولید در این خصوص اظهار داشته است که «با چند نفر از بچه‌های گروه برای ارتباط‌گیری، ملاقات با اهل سنت و آشنا شدن با آن‌ها به استان‌های جنوبی کشور از جمله بندرعباس و بوشهر سفر کردیم» (مصاحبه با ابولید، ۱۴۰۰). حسون از افراد وهابی‌شده در شادگان می‌افزاید: «پس از تغییر مذهب و تبلیغ برای اهل سنت برای رفع شبهات مذهبی با علما و جماعت تبلیغ اهل سنت رسمی در استان‌های جنوبی کشور ارتباط گرفتم تا اینکه در کلاس‌های تبلیغی توانستم به‌عنوان مربی حضور مستمر و فعال پیدا کنم» (مصاحبه با حسون، ۱۳۹۹).

۱۲- تاتوره در این خصوص می‌افزاید: «پسرم با پوشیدن چغیه قرمز و دشداشه کوتاه خود را به شکل افراد سلفی سعودی درآورده است» (مصاحبه با تاتوره، ۱۴۰۰). آنان در نمادسازی خود به هر وسیله‌ای متوسل شده و به دنبال تعریف یک هویت مستقل از خود از طریق نمادهای مشخص هستند. به‌عنوان مثال، ابونیل در این خصوص گفته است: «با دوستانم مؤسسه فرهنگی الهلال را راه انداختیم و با طرح مباحث تاریخی و فرهنگ‌سازی با تهیه تقویم، پوستر، برچسب با اهداف مدنظر حیب و انتشار در سطح استان ظرفیت خوبی داشتیم که در مؤسسه پیگیر تهیه ۲۰۰۰ دشداشه جهت پوشیدن دانش‌آموزان در روز اول سال تحصیلی بودیم» (مصاحبه با ابونیل، ۱۳۹۹).

۱۳- ارماشی از افراد وهابی‌شده با انحرافی اعلام کردن مذهب تشیع می‌افزاید: «دین صحیح همان است که شبکه‌های وصال و صفا بیان می‌کنند و تشیع مذهبی انحرافی است و از انجام فرایض مذهبی اعضای خانواده به سبک شیعیان ممانعت کردم و در شب‌های اول محرم ضمن جلوگیری از سیاه پوشیدن مادر و خواهرم، از شرکت کردن آنان در مراسم امام حسین ممانعت به عمل آوردم و غذای نذری که درب منزل فرستاده شده بود را دور ریختم» (مصاحبه با ارماشی، ۱۴۰۰). تاتوره نیز به‌صراحت بیان داشته است: «چرا ما باید دینی را بپرستیم که ساختگی باشد» (مصاحبه با تاتوره، ۱۴۰۰).

۱۴- شیخ سعید با اشاره به این مسئله اظهار می‌دارد: «در جلسات سایر گروه‌های سنی در مناطق مختلف شهر اهواز برای جذب و برگزاری جلسات تبلیغی حضور داشته‌ام» (مصاحبه با شیخ سعید، ۱۴۰۰). یکی دیگر از شیعیان وهابی‌شده در خوزستان نیز در این زمینه می‌افزاید: «به دنبال زمینه‌سازی برای جذب خانم‌ها هستیم که آن‌ها هم همراه ما بشوند» (مصاحبه با ابن السید، ۱۴۰۰).

۱۵- سعد اظهار داشته است: «با همراهی برادران خود بر این باور هستیم که حکومت داعش باید در خوزستان با محوریت اهواز تشکیل بشود» (مصاحبه با سعد، ۱۴۰۰). سید جواد از وهابی‌شدگان عرب خوزستان اظهار می‌دارد: «می‌خواستیم در اهواز یک آتش‌سوزی راه بندازیم

که باعث شورش بشود و علیه شیعیان تبلیغ کنیم که آن‌ها مشرک هستند و آن‌ها را بد جلوه دهیم و با ارسال فیلم بیعت را انجام دهیم و برای داعش بفرستیم و ایجاد امارت اسلامی در اهواز باید تابع خلافت باشد و شریعتی که در سوریه و عراق است را در اهواز اجرا کنیم با همان قانونی که دارند» (مصاحبه با سیدجواد، ۱۴۰۰). شیخ عبدالحمید نیز اظهار می‌دارد: «پس از مدتی بعد از همکاری با القاعده با زرقاری و بعد از او با البغدادی نیز بیعت نمودم. پس از تزکیه، آموزش‌های تخصصی نظامی را به مدت ۶ ماه گذراندم و موفق به شرکت در چند عملیات شدم» (مصاحبه با شیخ عبدالحمید، ۱۳۹۹).

منابع

- استنفورد، مایکل (۱۳۸۷)؛ *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه: مسعود صادقی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- اشرفی، ابوالفضل (۱۳۷۷)؛ *بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب، بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی (رپ و هوئی متال) در تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- اکوانی، سیدحمده (۱۳۸۷)؛ «گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۹ (۳۶): ۹۹-۱۲۶.
- آرون، ریمون (۱۳۷۷)؛ *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- احمدلو، حبیب (۱۳۸۱)؛ *بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- *الوطن الاحوازیه*، ۲۴ اگستس ۲۰۱۹، مرکز دراسات دورانتاش (DUSC)، عدد الثالث، ۲۵-۱.
- برتون، رولان (۱۳۸۰)؛ *قوم‌شناسی سیاسی*، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۸)؛ *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- داوری، رضا (۱۳۷۶)؛ *ناسیونالیسم و انقلاب*، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی فرهنگی.
- دانایی فرد، حسن، الوانی، سیدمهدی، آذر، عادل (۱۳۸۳)؛ *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت*، رویکردی جامع، تهران: صفار.
- دانایی فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی (۱۳۸۶)؛ *استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد، اندیشه مدیریت*، ۱(۲)، ۶۹-۹۷.
- زرچینی، رسول (۱۳۹۴)؛ *تفهم از دیدگاه دیلتای و ویر، اولین کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی*، آباءه
- سال‌نامه آماری کشور، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۶)*؛ تهران: مرکز آمار ایران.
- سیادت، موسی (۱۳۷۴)؛ *تاریخ و جغرافیای عرب خوزستان*، تهران: نشر آرزان.



- شرفی، محبوبه (۱۳۹۰)؛ «نگرشی بر مکتب تفهیمی و کاربرد آن در تحقیقات تاریخی»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۹ (۲)، ۱۲-۳۶.
- صادقی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۳)؛ *انقلاب اسلامی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۱ (۳۸)، ۲۵-۴۶.
- صدیق اورعی غلامرضا، طلوع برکاتی محمدصادق (۱۳۹۲)؛ بررسی و نقد کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳ (۴): ۱۱۰-۱۳۱.
- غفاریان، وفا، علی احمدی، علیرضا (۱۳۸۱)؛ «بررسی علل شکست برنامه ریزی های استراتژیک و ارائه دو یافته جدید»، *فصلنامه مدرس*، ۶ (۳).
- فروتوک زاده، حمیدرضا و جواد وزیری (۱۳۸۸)؛ «شایستگی دستیابی به سامانه های دفاعی، یک نظریه داده بنیان»، *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، ۲ (۲).
- فروند، ژولین (۱۳۶۸)؛ *جامعه‌شناسی ماکس وبر*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ دوم، نشر ایران.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)؛ *جهانی شدن فرهنگ هویت*، تهران: نشر نی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵)؛ *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰)؛ *روش تحقیق کیفی، ضدروش، منطق و طرح در روش شناسی کیفی*، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- وبر، ماکس (۱۳۹۵)؛ *مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، ترجمه صدارتی، احمد، نشر مرکز.
- هاشمی نژاد، سیدمحمدجواد و همکاران (۱۳۹۱)؛ «پان عربسیم و تجزیه‌طلبی»، *راه‌نما: ماهنامه مطالعات بین‌المللی تروریسم*، ۲ (۸): ۲۱-۳۷.
- هیوز استوارت (۱۳۹۷)؛ *آگاهی و جامعه*، مترجم عزت الله فولادوند، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Creswell, J. W. (2005); *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition).
- Furrow, J.L., King, P.E. & White, K. (2004); "Religion and Positive Youth Development: Identity, Meaning, and Prosocial Concerns", *Applied Developmental Science*, No. 8.
- Fredrick Copleston; *A History of Philosophy*; N. Y.: Anchor: 1978, vol. 7, pp. II, 140-147.
- Glaser, Barney G., & Strauss, Anselm L.(1967); *The Discovery of Grounded Theory: The Strategies for Qualitative Research*.
- Lee, J (2001); *A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use*, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebreska, In Proquest UMI Database.
- Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (2008); *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, 2nd Ed., Sage.
- Seul, J.R. (2010); "Religion, Identity and Integration Conflict", *Psychological Issues*, Vol. 36, No. 5.
- Miles, M. and Huberman, A. (2002); *Qualitative data analysis: a sourcebook of new methods*, Sage London; Beverly Hills.

مصاحبه‌ها

- مهنی زاده، غلامرضا (۱۳۹۹/۸/ ۲۳)؛ مصاحبه با سیدمحسن شفیعی.
- مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۴/۱۱)؛ مصاحبه با ایوب مجدمی.
- مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۱۱/۱۷)؛ مصاحبه با سید امیر موسوی.

- مهنی زاده، غلامرضا (۲/۲/۱۴۰۰)؛ مصاحبه با علی دبیری.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۴/۱۱/۱۴۰۰)؛ مصاحبه با علیرضا محرابی.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۹/۲۳/۱۴۰۰)؛ مصاحبه با علی داوودی.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۳۹۹/۱/۵)؛ مصاحبه با ابوسام.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۳۹۹/۲/۷)؛ مصاحبه با ابومسلم.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۳۹۹/۳/۱۰)؛ مصاحبه با ابونبیل.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۳۹۹/۴/۱۴)؛ مصاحبه با ابوعثمان.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۳۹۹/۵/۱۷)؛ مصاحبه با مقماس.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۳۹۹/۶/۱۰)؛ مصاحبه با حسون.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۳۹۹/۶/۱۶)؛ مصاحبه با جاسم.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۳۹۹/۷/۵)؛ مصاحبه با شیخ عبدالحمید.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۳۹۹/۷/۲۳)؛ مصاحبه با نادر.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۱/۱۱)؛ مصاحبه با ابوجویدر.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۱/۲۳)؛ مصاحبه با ابوزید.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۱/۳۱)؛ مصاحبه با ابولید.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۲/۱۳)؛ مصاحبه با باقر.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۲/۱۶)؛ مصاحبه با تاتوره.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۲/۳۰)؛ مصاحبه با رسول عاشور.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۳/۱)؛ مصاحبه با حزباوی.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۴/۸)؛ مصاحبه با ابن السید.
 - مصاحبه مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۴/۱۵)؛ مصاحبه با سیدجواد.
 - مصاحبه مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۵/۲۹)؛ مصاحبه با عثمان.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۵/۳۱)؛ مصاحبه با سعد.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۶/۳)؛ مصاحبه با شیخ سعید.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۶/۱۳)؛ مصاحبه با ارماشی.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۷/۱)؛ مصاحبه با عبدالحکیم.
 - مهنی زاده، غلامرضا (۱۴۰۰/۷/۱۷)؛ مصاحبه با ناجی.
- پژوهشگاه ملی اسناد و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی